

## رابطه خود اثربخشی و جهت گیری مذهبی با هوش فرهنگی و هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز

پرویز عسگری<sup>۱</sup>  
سمیرا سیدآسیابان<sup>۲</sup>  
آزاده حریبی<sup>۲</sup>

### چکیده

هدف پژوهش حاضر رابطه خود اثربخشی و جهت گیری مذهبی با هوش فرهنگی و هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز است. حجم نمونه مورد مطالعه ۳۸۰ نفر بودند که به روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. جهت جمع آوری اطلاعات از چهار پرسشنامه خود اثربخشی، پرسشنامه جهت گیری مذهبی، پرسشنامه هوش فرهنگی و پرسشنامه هوش معنوی، پرسشنامه استفاده گردید. این تحقیق از نوع همبستگی بود و برای تحلیل آماری داده ها از ضریب همبستگی ساده (پیرسون) و تحلیل کانونی استفاده شد. نتایج تحلیل داده های این پژوهش نشان داد که بین خود اثربخشی با هوش فرهنگی در سطح ( $p < 0/05$ ) در دانشجویان رابطه معنی دار وجود دارد ( $p < 0/0001$ ) و  $R = 0/56$  بین خود اثربخشی با هوش معنوی در سطح ( $p < 0/05$ ) در دانشجویان رابطه معنی دار وجود دارد ( $p < 0/0001$  و  $R = 0/53$ ). بین جهت گیری مذهبی با هوش فرهنگی در سطح ( $p < 0/05$ ) در دانشجویان رابطه وجود دارد. ( $p < 0/0001$  و  $R = 0/42$ ). بین جهت گیری مذهبی با هوش معنوی در سطح ( $p < 0/05$ ) در دانشجویان رابطه وجود دارد ( $p < 0/0001$  و  $R = 0/40$ ). بین خود اثربخشی و جهت گیری مذهبی با هوش فرهنگی و هوش معنوی در دانشجویان رابطه وجود دارد.

واژه های کلیدی: خود اثربخشی، جهت گیری مذهبی، هوش فرهنگی و هوش معنوی.

۱. دانشیار گروه روان شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲. مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز - ایران.

این مقاله برگرفته از یک طرح پژوهشی مصوب در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز می باشد که با استفاده از بودجه پژوهشی واحد انجام گردیده است.

## مقدمه

در اواخر قرن نوزدهم، دین<sup>۱</sup> به عنوان یک موضوع مهم مورد توجه رشته‌های علوم اجتماعی قرار گرفت و روان‌شناسی نیز دین را تا حدودی مورد بررسی قرار داد. از نظریه‌هایی گرفته که دین را به عنوان یک فرآیند درونی و شخصیت‌مدارانه<sup>۲</sup> (فروید<sup>۳</sup> ۱۹۳۱، نقل از شریفی ۱۳۸۱) در نظر می‌گرفتند تا نظریه‌هایی که بر اجتماع و عوامل اجتماعی تأکید داشتند و تفاوت‌های فردی را نادیده می‌گرفتند.

امروزه رفتارهای دینی را ترکیبی از فرآیندهای شخصی - اجتماعی می‌دانند و دیدگاهها و مراحل مختلف دین‌شناسی شده‌اند. یونگ اولین روانکاوی بود که فهمید افکار و عقاید دینی و افسانه، مظاهر بینش‌ها و اندیشه‌های ژرفی هستند. می‌توان تعریف وی را از دین در این بیان خلاصه کرد که جوهر تجربه‌ی دین تسلیم و تمکین در برابر نیروهایی است که نسبت به ما برتری دارند (وونت<sup>۴</sup>، ۱۹۷۵، نقل از شریفی ۱۳۸۱). شهید مطهری اولین اثر ایمان این است که پشتوانه‌ای اخلاق است. یعنی اخلاق که خود سرمایه بزرگ زندگی است بدون ایمان اساس و پایه درستی ندارد. زیربنای همه‌ی اصول اخلاقی و منطقی، ایمان دینی، یعنی ایمان و اعتقاد به خداست. همه‌ی ادیان الهی دعوت به پیوند بین خالق و مخلوق می‌کنند و چنین پیوندی به خودی خود می‌تواند موجب آرامش روانی انسان شود، بنابراین همه‌ی ادیان الهی در پیشگیری و درمان اختلالات روانی می‌توانند نقش اساسی داشته باشند (مطهری، ۱۳۶۱). انسانها در فراز و نشیب تاریخ همیشه از دردها و آسیب‌های اجتماعی بسیاری رنج برده‌اند و همواره در جستجوی یافتن عمل و انگیزه‌های آن بوده‌اند، تاراهها و شیوه‌هایی را برای رهایی از آنها بیابند. از مجموعه این آگاهیها و تجارب توانسته‌اند زمینه‌های مطالعاتی بسیاری را برای تبیین ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های زندگی اجتماعی پی‌ریزی کنند (ستوده، ۱۳۸۲).

همچنین با رجوع به حال و گذشته روان‌شناسی، این حقیقت نمایان می‌شود که این علم هرگز به طور کامل از اهمیت فرهنگ غافل نشده و مفاهیم فرهنگ، قومیت، تنوع و نژاد تقریباً از ابتدای شکل‌گیری روان‌شناسی در واژگان این علم موجود بوده است که یکی از سازهای نسبتاً جدید که به توانایی تعامل مؤثر در میان فرهنگ‌ها اشاره می‌کند مفهوم هوش فرهنگی<sup>۵</sup> است که برای نخستین بار توسط ارلی و انگ<sup>۶</sup> مطرح شد (توماس و اینکسن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴؛ نقل از فیضی ۱۳۸۹). آنان هوش فرهنگی را توانایی فرد در سازگاری موفقیت‌آمیز با محیط‌های فرهنگی جدید که معمولاً با بافت فرهنگی خود فرد ناآشناست تعریف می‌کنند.

1. Religion
2. Personality based
3. Freud
4. Wundt
5. Cultural Intelligence
6. Early & Ang
7. Thomas & Inskon

هوش فرهنگی یک فرا هوش است که شامل شکل‌های مختلفی از هوش می‌باشد و IQ<sup>۱</sup> تنها یکی از آنهاست. هوش فرهنگی قابلیت فردی برای درک، تفسیر و اقدام اثربخش در موقعیت‌هایی است که از تنوع فرهنگی برخوردارند و با آن دسته از مفاهیم مرتبط با هوش سازگار است که هوش را بیشتر یک توانایی شناختی می‌دانند (پترسون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). در واقع هوش فرهنگی، با تمرکز بر قابلیت‌های خاصی که برای روابط شخصی با کیفیت و اثربخش در شرایط فرهنگی مختلف لازم است، بر جنبه‌ای دیگر از هوش شناختی تمرکز دارد همچنین هوش فرهنگی توانایی بروز عکس‌العمل در برابر اهالی فرهنگ‌های بیگانه است. این هوش به ما امکان می‌دهد تا از طریق دانش و عمل تفاوت‌های فرهنگی را دریافته و در برخورد با سایر فرهنگ‌ها رفتار درستی را در پیش گیریم (رحمانی و تهرانی پور، ۱۳۸۸).

مفهوم دیگری است که طی سال‌های اخیر مورد توجه حوزه‌های تحقیق در روان‌شناسی قرار گرفته است هوش معنوی است. اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته به صورتی روزافزون توجه روان‌شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. پیشرفت علم روان‌شناسی از یک سو و ماهیت پویا و پیچیده‌ی جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی قد علم کند و اهمیت بیشتری یابند. به طوری که سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می‌کند و بعد چهارم یعنی بعد معنوی را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می‌سازد (فرانکل<sup>۳</sup>، ۱۳۷۵، ترجمه معارفی).

در واقع معنویت یکی از نیازهای درونی انسان است که برخی صاحب‌نظران آن را متضمن بالاترین سطوح زمینه‌های رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی، فردی، تلاش همواره آدمی برای پاسخ دادن به چراهای زندگی می‌دانند. به عبارت واضح‌تر استفاده بهینه از قوه خلاقیت و کنجکاوی برای، یافتن دلایل موجود مرتبط، با زنده ماندن و زندگی کردن و در نتیجه، رشد و تکامل بخش مهمی از معنویت را تشکیل می‌دهد (نقل از ناصری، ۱۳۸۷).

بر اساس پژوهش‌های انجام شده؛ گرگری و فرید (۱۳۹۱) نتایج پژوهش نشان داد که اثر مستقیم جهت‌گیری مذهبی درونی بر سلامت روانی، جسمی و معنوی معنی‌دار نبود اما اثر غیرمستقیم جهت‌گیری مذهبی از طریق ارزیابی اولیه چالش‌برانگیز موقعیتها بر سلامت روانی، معنوی و جسمی معنی‌دار بود.

در پژوهشی هادیزاده مقدم و حسینی (۱۳۹۰) نتایج نشان می‌دهد سازه تماس‌های بین فرهنگی دارای تأثیر قوی، مثبت و معنی‌داری بر سازه جهت‌گیری مذهبی است. همچنین بین هوش فرهنگی، هوش هیجانی و سازگاری فردی - اجتماعی دانشجویان زن و مرد تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

1. Intelligence Quotient

2. Offerman

3. Frankl

مداحی، صمدزاده، کیخای و محمد (۱۳۹۰) نتایج نشان داد بین نمره جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی با بهزیستی روانشناختی از نظر آماری معنادار بود. از طرفی نتایج نشان داد که جهت‌گیری مذهبی هم از نوع درونی و هم از نوع بیرونی آن قابلیت پیش‌بینی بهزیستی روانشناختی را دارد. این نتایج را این‌طور می‌توان تبیین کرد هرچه میزان جهت‌گیری مذهبی جوانان درونی‌تر باشد، بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها بیشتر خواهد بود. و هرچه میزان جهت‌گیری مذهبی جوانان بیرونی‌تر باشد، بهزیستی روان‌شناختی آن‌ها کمتر خواهد بود و هوش معنوی پایین‌تر خواهد بود.

فیضی (۱۳۸۹) در پژوهشی به مقایسه هوش فرهنگی داوطلبان ورزشی دختر و پسر پرداخت نشان داد که بین ابعاد هوش فرهنگی و نیز هوش فرهنگی به‌طور کلی در داوطلبان دختر و پسر اختلاف معناداری وجود ندارد اما میان هوش فرهنگی و خود اثر بخشی داوطلبان دختر و پسر تفاوت معنادار وجود دارد.

جعفری (۱۳۸۸) بر اساس پژوهشی نتیجه گرفته شد که دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی بیش از دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی برونی، از شیوه‌های مقابله‌ای مساله‌محور استفاده کرده‌اند همچنین دارای جهت‌گیری مذهبی برونی بیش از دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی از شیوه‌های مقابله‌ای هیجان‌محور استفاده کرده‌اند. و تفاوت معنی‌داری بین میانگین‌های دو گروه از دانشجویان دارای جهت‌گیری مذهبی درونی و برونی در هر یک از مقیاس‌های شیوه‌های مقابله‌ای هیجان‌محور (رویارویی، دوری‌گزینی، خویشتن‌داری و گریز - اجتناب) می‌باشد.

(رستمی، ۱۳۸۴، تمدنی، ۱۳۸۴، خدایای فرد، رحیمی نژاد و یاسمین، ۱۳۸۵) بر اساس نتایج به دست آمده از پژوهشی دریافتند که سلامت روان و هوش معنوی به‌طور معناداری، تاب‌آوری و خود اثربخشی را پیش‌بینی می‌کنند و از آنجایی که افراد با سلامت روان بالا درجات بالاتری از تاب‌آوری را نشان می‌دهند، می‌توان نتیجه گرفت که فراهم نمودن عوامل حمایتی (مانند مذهب و معنویت) به منظور افزایش سلامت روان و هوش معنوی می‌تواند منجر به افزایش تاب‌آوری گردد.

خدایاری فرد (۱۳۸۳) نتایج پژوهش بیانگر آن است که بین نگرش مذهبی و رابطه پدر - فرزندی با سازگاری اجتماعی و هوش معنوی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. نگرش مذهبی دانش‌آموزان پسر فرزند جانباز نسبت به دانش‌آموزان پسر افراد عادی قوی‌تر بود، اما بین دانش‌آموزان دختر تفاوت معناداری مشاهده نشد.

ابزری، اعتمادیان و خانی (۱۳۸۹) یافته‌های تحقیق نشان داد بین هوش فرهنگی و مؤلفه‌های آن (استراتژی، دانش، انگیزش و رفتار) با خود اثربخشی گروهی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین از بین این مؤلفه‌ها، مؤلفه انگیزش و رفتار، قابلیت پیش‌بینی خود اثربخشی گروهی را دارا بودند.

(سری رملو، چین وی و چروزی ۲۰۱۱، تسای و لاورنس<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱) نتایج این پژوهش نشان داد که هوش فرهنگی یک صلاحیت بین فرهنگی ضروری است که عملکرد شغلی و سازگاری بین فرهنگی افراد را تسهیل می‌کند. به ویژه نتایج این پژوهش نشان داد افرادی که هوش فرهنگی فراشناختی و انگیزشی بالاتری دارند از سازگاری عمومی و خوداثربخشی بیشتری برخوردارند.

نتیجه حاصل از پژوهش ودادی، خیری و عباس زاده<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) نیز بیانگر آن بود که بین هوش فرهنگی و ابعاد مختلف آن (از جمله استراتژی، دانش، انگیزش و رفتار) با نیاز به پیشرفت و خوداثربخشی مدیران رابطه بالایی وجود دارد.

دسر و سیرس و میلر<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) یافته‌های این پژوهش نشان داد افرادی که اعتقادات مذهبی قوی تری داشتند و اعمال مذهبی را بطور روزانه انجام می‌دادند در زندگی عفو و بخشش بیشتری نسبت به دیگران نشان می‌دادند و میزان هوش معنوی بالاتری برخوردارند و برای حل مشکلات خود از روش‌های مقابله ذهنی استفاده می‌کردند و افسردگی کمتری داشتند. لذا با توجه به پیش زمینه‌ی ارائه شده در مقدمه می‌توان گفت متغیرهای مطرح شده در پژوهش بر نحوی عملکرد فرد تاثیر می‌گذارند و این تاثیر موجب شناخت و درک بهتر از فرد می‌شود. بنابراین با توجه به ارتباط ظریف و شایان توجهی که بین متغیرهای پژوهش مشاهده می‌شود، پژوهش حاضر به رابطه خود اثربخشی و جهت‌گیری مذهبی با هوش فرهنگی و هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اهواز می‌پردازد.

### جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

در این پژوهش جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان (دختر و پسر) دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل می‌باشند. بر اساس جدول مورگان ۳۸۰ نفر نمونه‌ای مطلوب بود. از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده گردید. بدین منظور تعداد کل دانشجویان مشغول به تحصیل به دست آمد، که اطلاعات بدست آمده نشان داد تعداد کل دانشجویان مشغول به تحصیل در این دانشگاه در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۳۹۴ - ۱۳۹۳ به میزان ۲۰۰۰۰ نفر بودند. که شامل ۱۱۰۰۰ دانشجوی دختر و ۹۰۰۰ پسر بود.

### ابزار اندازه‌گیری

الف) خود اثربخشی (GSE)<sup>۵</sup>: این مقیاس توسط اولند<sup>۶</sup> و همکاران (اولندیک ۱۹۸۴،

1. Sri Ramalu, Chin Wei & Che Rose
2. Tsai & Lawrence
3. Vedadi I, Kheiri & Abbasalizadeh
4. Desrosiers & miller
5. General Seif-Efficacy
6. Oalandic

اوزولد و کروا، ۱۹۸۶) ساخته شد. این مقیاس ۱۷ ماده‌ای، خود گزارشی و مداد- کاغذی است. ماده‌های این مقیاس از نظر فهم برای افراد ۱۴ سال به بالا نوشته شده است. پاسخ‌های سوالات از گزینه (کاملاً مخالفم/ مخالفم/ حد وسط/ موافقم/ کاملاً موافقم) می‌تواند متفاوت باشد. جهت نمره‌گذاری این آزمون سوالاتی که موقعیت‌های منفی را می‌سنجد به گزینه اول (کاملاً مخالفم) ۱ نمره و آخرین گزینه (کاملاً موافقم) ۵ نمره تعلق می‌گیرد. برای موقعیت‌های مثبت عکس حالت فوق نمره‌گذاری انجام می‌گیرد. بدیهی است حداقل نمره‌ای که یک فرد ممکن است بگیرد ۱۷ و حداکثر نمره ۸۵ خواهد بود (نقل از شمسی، ۱۳۹۱). اعتبار سازه‌ای مقیاس خود اثربخشی برای سنجش اعتبارسازه‌ای مقیاس خود اثربخشی، امتیازات به دست آمده توسط آن با اندازه‌های چندین ویژگی شخصیتی همبسته شد. این اندازه‌های شخصیتی دربرگیرنده: مقیاس کنترل درونی- بیرونی راتر، خرده مقیاس کنترل شخصی I-E<sup>2</sup> (گوئین، لائوینی<sup>۳</sup>، ۱۹۶۹)، مقیاس درجه تمایل اجتماعی (مارل- کراون<sup>۴</sup>، ۱۹۶۴). مقیاس بیگانگی از خود (بارون<sup>۵</sup>، ۱۹۵۳)، مقیاس شایستگی بین فردی (روزنبرگ<sup>۶</sup>، ۱۹۶۵) می‌باشند. بر این اساس بررسی انجام شده همبستگی منفی بین نمرات مقیاس خود اثربخشی و نمرات مقیاس کنترل درونی بیرونی راتر ( $R = -0/40$ ) بدست آمد. همبستگی مثبت بین مقیاس بیگانگی از خود ( $R = 0/60$  و  $P = 0/5$ ) و مقیاس شایستگی بین فردی با امتیازات خود اثربخشی دارای همبستگی مثبت ( $R = 0/46$ ) بود (نقل از خدیری و همکاران، ۱۳۸۱). در تحقیق مقدمیان (۱۳۷۸)، برای تعیین پایانی مقیاس خود اثربخشی نیز از دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شد که به ترتیب برابر با ۰/۸۵ و ۰/۸۲ می‌باشد که بیانگر ضرایب قابل قبول مقیاس یاد شده است. در تحقیق حاضر پایای پرسشنامه با دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف محاسبه گردید که به ترتیب برابر ۰/۹۴ و ۰/۹۲ می‌باشد که بیانگر پایای مطلوب پرسشنامه مذکور است.

ب) پرسش‌نامه نگرش سنج مذهبی: این مقیاس توسط خدایاری فرد و غباری بناب (۱۳۷۳) تهیه گردید و شامل ۴۰ سؤال در خصوص حیطه‌های موضوعی، عبادات، اخلاقیات، ارزش‌ها، اثر مذهب در زندگی و رفتار انسان، مباحث اجتماعی، جهان بینی، باورها، علم و دین می‌باشد. نمره‌گذاری بر اساس روش لیکرت با گزینه‌های (کاملاً موافقم، تا حدی موافقم، نه موافق و نه مخالف، تا حدی مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. برای نمره‌گذاری مقیاس به هر یک از گزینه‌های انتخاب شده که نگرش مثبت تلقی شده اند ۵ و ۴ امتیاز و به گزینه‌هایی که نگرش منفی تلقی شده اند ۲ و ۱ امتیاز و به گزینه‌های نه موافق و نه مخالف ۳ نمره تعلق می‌گیرد. همچنین به سوالاتی که نگرش منفی تلقی شده اند بر عکس نمره‌گذاری می‌شود.

1. Ozold Groow
2. Curin, Laobeatin
3. Marlow-Crowne
4. Baroon
5. Rosenberg

بیشترین نمره در این مقیاس (۲۰۰) و کمترین نمره (۴۰) می‌باشد. ضریب همبستگی نمره هر یک از مواد با نمره کل پرسش‌نامه در سطح  $0/001$  معتبر است (خدایاری فرد و غباری بناب، ۱۳۷۳). شریفی (۱۳۸۱) ضریب اعتبار آزمون نگرش سنج مذهبی را از طریق همبسته کردن با آزمون سنج دینداری مسلمانان، ضریب همبستگی برابر  $0/48$  بدست آورد که در سطح  $0/001$  معنی‌دار بود. نجار اصل (۱۳۸۵) پایایی این پرسش‌نامه را با دو روش آلفای کرونباخ و تنصیف به ترتیب برابر  $0/91$  و  $0/86$  بدست آورده است. در پژوهش حاضر، برای محاسبه ضرایب پایایی این پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ و نیز به روش تنصیف استفاده گردید که مقادیر ضرایب به ترتیب برابر  $0/91$  و  $0/88$  می‌باشد و حاکی از ضرایب مطلوب پرسش‌نامه نگرش سنج مذهبی می‌باشد.

ج) پرسشنامه هوش فرهنگی: مقیاس هوش فرهنگی توسط انگک و همکاران (۲۰۰۴) برای سنجش هوش فرهنگی ساخته شده است. آنها ابتدا این پرسشنامه را با ۵۳ آیتم شروع کردند که هر ۱۳-۱۴ آیتم از آن، یک بعد هوش فرهنگی را می‌سنجید. بدین ترتیب در هر بعد ۱۰ آیتم به عنوان بهترین آیتم‌ها باقی ماندند (در مجموع ۴۰ آیتم). این مقیاس حاوی ۲۰ پرسش در ۴ خرده مقیاس (چهار آیتم فراشناختی، شش آیتم مربوط به عامل شناختی، پنج آیتم عامل انگیزشی و پنج آیتم مربوط به عامل رفتاری) است. پاسخ به سئوالات به صورت لیکرت هفت‌گزینه‌ای از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) دسته‌بندی می‌شود. سئوالات مربوط به خرده مقیاس‌ها (خرده مقیاس فراشناختی هوش فرهنگی: سئوالات ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰). (خرده مقیاس انگیزشی هوش فرهنگی: ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰). ساختار عاملی ۴۰ آیتمی بر روی نمونه‌ای به حجم ۵۷۶ نفر از دانشجویان لیسانس سنگاپوری (که شامل ۷۴ درصد از زنان با میانگین سنی ۲۰ سال بود) مورد بررسی قرار گرفت که از این ۴۰ آیتم ۲۰ آیتم با بالاترین ویژگی‌های روانسنجی برای سنجش هوش فرهنگی باقی ماند که چهار آیتم مربوط به عامل فراشناختی هوش فرهنگی، شش آیتم مربوط به عامل شناختی، پنج آیتم عامل انگیزشی و پنج آیتم مربوط به عامل رفتاری هوش فرهنگی بود. آیتم‌های تأیید شده در مجموع برای هر خرده مقیاس همبستگی ( $0/47-0/71$ ) داشت که نشان‌دهنده ارتباط قوی بین آیتم‌ها و مقیاس و ثبات درونی آن بود. ترکیب پایایی‌ها از  $0/70$  تجاوز می‌کرد. (عامل فراشناختی هوش فرهنگی =  $0/72$ ، عامل شناختی هوش فرهنگی =  $0/86$ ، عامل انگیزشی هوش فرهنگی =  $0/76$ ، و عامل رفتاری هوش فرهنگی =  $0/83$ ). پیرو توصیه کرکمن و لاو (۲۰۰۵) برای انجام تحقیق در فرهنگ‌های مختلف، داده‌های بیشتری از کشورهای سنگاپور و ایالت متحده آمریکا برای تعیین تعمیم‌پذیری مقیاس هوش فرهنگی در میان نمونه‌ها جمع‌آوری شد. تحلیل اعتباریابی از روایی و پایایی این مقیاس در کل نمونه، در مقیاس زمانی و در کشورهای (سنگاپور و آمریکا) حمایت می‌کرد. همچنین نتایج سه مطالعه در موقعیتهای کاری، تحصیلی و فرهنگی مختلف نشان داد

که ارتباط منظمی بین ابعاد هوش فرهنگی و نتایج مؤثر بین فرهنگی وجود دارد. به طور کلی، نتایج حاصل از سه نمونه اعتباریابی و سه مطالعه اساسی، به طور قوی از روایی، پایداری و اعتبار مقیاس هوش فرهنگی حمایت نمود. این پرسشنامه در ایران نیز در برخی پژوهشها مورد بررسی قرار گرفته است. کاظمی (۱۳۸۷) در پژوهشی ضمن تأیید روایی این پرسشنامه، پایایی آن را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۶۶ گزارش نمود. قدم پور، مهرداد و جعفری (۱۳۹۰) نیز در پژوهشی پایایی این پرسشنامه را با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۵ گزارش نمودند. در پژوهش حاضر ضریب پایایی مقیاس هوش فرهنگی، از طریق آلفای کرونباخ برای نیمه اول برابر با ۰/۸۷ و برای نیمه دوم مساوی با ۰/۸۷ به دست آمد. همچنین ضریب گاتمن<sup>۱</sup> برابر با ۰/۹۳ و ضریب اسپیرمن و براون<sup>۲</sup> مساوی با ۰/۹۵ به دست آمد.

**۵) پرسشنامه هوش معنوی:** در این پژوهش برای سنجش هوش معنوی از مقیاس هوش معنوی (SISRI-۲۴) کینگ (۲۰۰۸) استفاده شد. این مقیاس ۲۴ ماده و چهار خرده مقیاس شامل تفکر وجودی با ۷ ماده، تولید معنای شخصی با ۵ ماده، آگاهی متعالی با ۷ ماده، گسترش وضعیت هشیاری با ۵ ماده دارد که برای سنجش هوش معنوی ساخته شده است. نمره گذاری این پرسشنامه با روش لیکرت و در طیف بین نظری ندارم (۰)، درست نیست (۱)، تا حدی درست (۲)، خیلی درست (۳) و کاملاً درست (۴) می باشد که نمرات بالا نشان دهنده هوش معنوی بالا و یا وجود چنین ظرفیتی است. روایی این مقیاس در ایران به وسیله رقیب، حکیمی نیا، سیادت، و احمدی (۱۳۸۸) پس از ترجمه بر روی دانشجویان دانشگاه سنجیده شد. برای محاسبه روایی سازه مقیاس از تحلیل عامل تأییدی مرتبه اول استفاده شد. یافته‌ها ساختار چهار عاملی ۲۴ گویه‌ای مقیاس سنجش هوش معنوی کینگ را تأیید نمودند. برای برآورد روایی همگرای این مقیاس از پرسشنامه تجربه معنوی غباری بناب (۱۳۸۴) به طور همزمان استفاده شده که ضرایب همبستگی این دو پرسشنامه ۰/۶۶ به دست آمده است ( $p < 0/01$ ). کینگ (۲۰۰۸) بر روی نمونه دانشجویان، پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و با روش تنصیف ۰/۸۴ گزارش کرده است. پایایی این مقیاس در ایران توسط رقیب و همکاران (۱۳۸۸) با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد شد ( $p < 0/05$ ). رقیبی، بخشانی و معلمی (۱۳۸۸) نیز در پژوهش خود پایایی این پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ و با روش بازآزمایی در یک فاصله دوهفته ای ۰/۶۷ گزارش کرده اند. در تحقیق حاضر ضریب پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۵ محاسبه شد. همچنین ضریب گاتمن<sup>۳</sup> برابر با ۰/۹۲ و ضریب اسپیرمن و براون<sup>۴</sup> مساوی با ۰/۹۴ به دست آمد.

1. Guttman Split-Half Coefficient

2. Spearman Brown Coefficient

3. Guttman Split-Half Coefficient

4. Spearman Brown Coefficient



یافته های پژوهش  
الف) یافته های توصیفی

جدول ۱: شاخص های آماری متغیرهای مورد پژوهش آمار توصیفی

تعداد	حداکثر	حداقل	واریانس	انحراف استاندارد	میانگین	شاخص	نوع متغیر
						آماري	
							جنس
۱۷۰	۸۲	۳۹	۱۱۰/۰۹	۱۰/۴۹	۶۰/۸۸	پسر	خود اثر بخشی
۲۱۰	۸۲	۳۷	۱۰۶/۹۰	۱۰/۳۳	۶۰/۰۷	دختر	
۳۸۰	۸۲	۳۷	۱۰۸/۲۰	۱۰/۴۰	۶۰/۴۳	کل افراد	
۱۷۰	۱۸۲	۱۲۷	۱۲۸/۰۷	۱۱/۳۱	۱۵۲/۱۹	پسر	جهت گیری مذهبی
۲۱۰	۱۷۲	۱۲۷	۹۲/۹۴	۹/۶۴	۱۵۰/۶۵	دختر	
۳۸۰	۱۸۲	۱۲۷	۱۰۸/۹۵	۱۰/۴۳	۱۵۱/۳۴	کل افراد	
۱۷۰	۱۰۳	۵۷	۱۰۸/۰۸	۱۰/۳۹	۸۰/۷۳	پسر	هوش فرهنگی
۲۱۰	۹۵	۴۸	۱۰۸/۲۹	۱۰/۴۰	۷۶/۸۲	دختر	
۳۸۰	۱۰۳	۴۸	۱۱۱/۶۹	۱۰/۵۶	۷۸/۵۷	کل افراد	
۱۷۰	۷۸	۳۳	۱۱۷/۶۳	۱۰/۸۴	۵۶/۶۱	پسر	هوش معنوی
۲۱۰	۷۸	۳۲	۱۱۱/۱۵	۱۰/۵۴	۵۵/۱۵	دختر	
۳۸۰	۷۸	۳۲	۱۱۴/۲۷	۱۰/۶۹	۵۵/۸۱	کل افراد	

همانطور که در جدول شماره (۱) نشان داده شده است میانگین، انحراف استاندارد، واریانس، نمرات کسب شده در متغیر خود اثر بخشی هر یک از گروهها به ترتیب گروه پسران ۶۰/۸۸، ۱۰/۴۹ و ۱۱۰/۰۹؛ گروه دختران ۶۰/۰۷، ۱۰/۳۳ و ۱۰۶/۹۰؛ گروه کل افراد ۶۰/۴۳، ۱۰/۴۰ و ۱۰۸/۲۰ کسب کردند. و در متغیر جهت گیری مذهبی در گروه پسران ۱۵۲/۱۹، ۱۱/۳۱ و ۱۲۸/۰۷، و در گروه دختران ۱۵۰/۶۵، ۹/۶۴ و ۹۲/۹۴ برای کل افراد ۱۵۱/۳۴، ۱۰/۴۳ و ۱۰۸/۹۵ کسب کردند. و در متغیر هوش فرهنگی برای گروه پسران ۸۰/۷۳، ۱۰/۳۹ و ۱۰۸/۰۸، و برای گروه دختران ۷۶/۸۲، ۱۰/۴۰ و ۱۰۸/۲۹ و برای کل افراد ۷۸/۵۷، ۱۰/۵۶ و ۱۱۱/۶۹ کسب کردند. و در متغیر هوش معنوی برای گروه پسران ۵۶/۶۱، ۱۰/۸۴ و ۱۱۷/۶۳ و برای گروه دختران ۵۵/۱۵، ۱۰/۵۴ و ۱۱۱/۱۵ و برای کل افراد ۵۵/۸۱، ۱۰/۶۹ و ۱۱۴/۲۷ کسب کردند.

ب) یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش:  
فرضیه اول: بین خود اثربخشی با هوش فرهنگی در دانشجویان رابطه وجود دارد.

**جدول (۲): ضرایب همبستگی ساده خود اثربخشی با هوش فرهنگی در دانشجویان**

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	ضریب همبستگی پیرسون (R)	تعداد	سطح معناداری (p)
خود اثربخشی	هوش فرهنگی	۰/۵۶	۳۸۰	۰/۰۰۰۱

مطابق جدول (۲) بین خود اثربخشی با هوش فرهنگی در سطح معنی داری ۰/۰۰۰۱ رابطه معناداری وجود داشت. بنابراین فرضیه یک تأیید شد.  
فرضیه دوم: بین خود اثربخشی با هوش معنوی در دانشجویان رابطه وجود دارد.

**جدول (۳): ضرایب همبستگی ساده خود اثربخشی با هوش معنوی در دانشجویان**

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	ضریب همبستگی پیرسون (R)	تعداد	سطح معناداری (p)
خود اثربخشی	هوش معنوی	۰/۵۳	۳۸۰	۰/۰۰۰۱

مطابق جدول (۳) بین خود اثربخشی با هوش معنوی در سطح معنی داری ۰/۰۰۰۱ رابطه معناداری وجود داشت. پس بنابراین فرضیه دوم تأیید شد.  
فرضیه سوم: بین جهت‌گیری مذهبی با هوش فرهنگی در دانشجویان رابطه وجود دارد.

**جدول (۴): ضرایب همبستگی ساده جهت‌گیری مذهبی با هوش فرهنگی در دانشجویان**

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	ضریب همبستگی پیرسون (R)	تعداد	سطح معناداری (p)
جهت‌گیری مذهبی	هوش فرهنگی	۰/۴۲	۳۸۰	۰/۰۰۰۱

مطابق جدول (۴) بین جهت‌گیری مذهبی با هوش فرهنگی در سطح معنی داری ۰/۰۰۰۱ رابطه معناداری وجود داشت. پس بنابراین فرضیه سوم تأیید شد.  
فرضیه چهارم: بین جهت‌گیری مذهبی با هوش معنوی در دانشجویان رابطه وجود دارد.

**جدول (۵): ضرایب همبستگی ساده جهت‌گیری مذهبی با هوش معنوی در دانشجویان**

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	ضریب همبستگی پیرسون (R)	تعداد	سطح معناداری (p)
جهت‌گیری مذهبی	هوش معنوی	۰/۴۰	۳۸۰	۰/۰۰۰۱

مطابق جدول (۵) بین جهت‌گیری مذهبی با هوش معنوی در سطح معنی داری ۰/۰۰۰۱ رابطه معناداری وجود داشت. پس بنابراین فرضیه چهارم تأیید شد.  
جدول (۵): بین خود اثربخشی و جهت‌گیری مذهبی با هوش فرهنگی و هوش معنوی در دانشجویان رابطه وجود دارد.

## جدول ۶: نتایج آزمونهای چند متغیری معنی داری برای مدل کامل تحلیل کانونی (متعارف)

نام آزمون	مقدار	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	آزمون F	سطح معناداری
اثر پیلاپی	۰/۴۸	۴	۷۵۴	۶۰/۱۲	۰/۰۰۰۱
هتلینگ	۰/۹۳	۴	۷۵۰	۸۷/۸۰	۰/۰۰۰۱
ویلکز	۰/۵۱	۴	۷۵۲	۷۳/۶۲	۰/۰۰۰۱
ریشه روی	۰/۴۸	۴			

## جدول شماره ۷: مقدار ویژه و همبستگی کانونی

شماره توابع یا ریشه ها	مجدور همبستگی	همبستگی کانونی	درصد تراکی	درصد	مقدار ویژه
۱	۰/۴۸	۰/۶۹	۹۹/۹۹	۹۹/۹۹	۰/۹۳
۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۳	۱۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰۰۱

دو مجموعه متغیرهای مورد پژوهش به صورت معنی داری توسط همبستگی کانونی با هم مرتبط می باشند. این آزمون معنی داری اولین همبستگی کانونی را نشان می دهد اما لزوماً معنی داری دومین و یا سومین را بیان نمی کند. در صورتی که اولین همبستگی کانونی معنی دار نباشد، سایر همبستگی ها نیز معنی دار نخواهد بود. به این آزمون بزرگترین ریشه شاخص نیز گفته می شود.

به صورت متعارف اولین همبستگی کانونی از سایر همبستگی ها حائز اهمیت بیشتری است. طبق نتایج این پژوهش برای اولین همبستگی کانونی یا متعارف متغیر همگام یا مستقل تنها ۹۳٪ درصد واریانس در متغیر کانونی وابسته یا ملاک را تبیین و توضیح می نماید. به طور کلی تعداد ابعاد کانونی برابر با تعداد متغیرهای مجموعه کوچکتر متغیرهای مورد بررسی می باشد. باید اضافه کرد که تعداد ابعاد معنی دار از نظر آماری حتی می تواند کمتر از تعداد متغیرهای مجموعه کوچکتر باشد. ابعاد کانونی که متغیرهای کانونی نیز گفته می شوند. متغیرهای پنهانی هستند که قابل قیاس با عوامل به دست آمده در تحلیل عاملی می باشند.

## جدول شماره ۸: نتایج تحلیل کاهش بعد

ریشه ها	لامبادای ویلکز	آزمون F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری
۱ تا ۲	۰/۵۱	۷۳/۶۲	۴	۷۵	۰/۰۰۰۱
۲ تا ۲	۰/۹۹	۰/۰۰۳	۱	۳۷	۰/۹۵

نتایج آزمون F نشان می دهد که تنها یک مورد از همبستگی کانونی از نظر آماری معنی دار (F=۷۳/۶۲ و P > ۰/۰۰۱) می باشد. دومین (F=۰/۰۰۳ و P=۰/۹۵) همبستگی از نظر آماری معنی دار نمی باشد. در مدل کنونی پژوهش حاضر دو بعد کانونی در نظر گرفته و محاسبه شد که تنها یکی از آنها از نظر آماری معنی دار می باشد. اولین آزمون ابعاد به آزمون این امر می

پردازد که آیا هر دو بعد بدست آمده از نظر آماری معنی دار هستند ( $F=73/62$  و  $P < 0/001$ ). آزمون بعدی به این موضوع می پردازد که دومین بعد به تنهایی از نظر معنی داری آماری می باشد ( $F=0/003$  و  $P=0/95$ ). در پژوهش حاضر فقط اولین بعد از نظر آماری معنی دار به دست آمد در حالی که یک بعد از نظر آماری معنی دار نمی باشد.

نتایج به طور جداگانه برای هر یک از مجموعه متغیرهای مورد بررسی (متغیرهای خود اثربخشی، جهت گیری مذهبی، هوش فرهنگی) نشان داده شده است. در هر یک از این مجموعه ها ضرایب کانونی اولیه، ضرایب استاندارد همبستگی بین متغیرها مشاهده شده و توابع کانونی و درصد واریانس مرتبط با هر یک از توابع کانونی اریه گردیده است.

#### جدول ۹: همبستگی (ضرایب ساختاری) برای متغیرهای مجموعه اول یا وابسته

متغیر	تعداد توابع
۱	۱
هوش فرهنگی	۰/۸۷
هوش معنوی	۰/۸۲

بنابر آنچه که در جدول بالا ارائه شده است ضرایب همبستگی متغیرهای مجموعه اول با بعد کانونی مرتبط با آن به ترتیب برابر ۰/۸۷ و ۰/۸۲ است.

#### جدول ۱۰: نتایج واریانس متغیرهای وابسته مجموعه اول قابل توضیح و تبیین توسط متغیرهای کانونی

متغیر کانونی	درصد متغیر وابسته	درصد تراکمی متغیر وابسته	درصد متغیر همگام	درصد تراکمی متغیر وابسته
۱	۷۲/۳۰	۷۲/۳۰	۳۴/۹۶	۳۴/۹۶

فقط ۷۲/۳۰ واریانس متغیرها توسط بعد کانونی (جدول ۱۰) قابل توضیح می باشد. به عبارتی بعد اول معنی دار مسئول تنها ۷۲/۳۰ واریانس متغیرهای وابسته می باشد.

#### جدول ۱۱: همبستگی (ضرایب ساختاری) برای متغیرهای مجموعه دوم یا مستقل

متغیر	تعداد توابع
۱	۱
خوداثربخشی	۰/۹۲
جهت گیری مذهبی	۰/۷۰

بنابر آنچه که در جدول بالا ارائه شده است ضرایب همبستگی متغیرهای مجموعه دوم با بعد کانونی مرتبط با آن به ترتیب برابر ۰/۹۲ و ۰/۷۰ است.

## جدول ۱۲: نتایج واریانس متغیرهای مجموعه دوم یا مستقل قابل توضیح و تبیین توسط متغیرهای کانونی

متغیر کانونی	درصد متغیر وابسته	درصد تراکمی متغیر وابسته	درصد متغیر همگام	درصد تراکمی متغیر وابسته
۱	۳۲/۷۸	۳۲/۷۸	۶۷/۷۸	۶۷/۷۸

فقط ۳۲/۷۸ واریانس متغیرها توسط بعد کانونی (جدول ۱۲) قابل توضیح می‌باشد. به عبارتی بعد اول معنی دار مسئول تنها ۳۲/۷۸ واریانس متغیرهای مجموعه دوم می‌باشد.

### بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: بین خود اثربخشی با هوش فرهنگی در دانشجویان رابطه وجود دارد. با توجه به جدول ۲ بین خود اثربخشی با هوش فرهنگی رابطه معنی دار وجود دارد ( $p < 0/0001$  و  $R = 0/56$ ). لذا فرضیه اول تایید شده است.

نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های تحقیقات قبلی؛ هادیزاده مقدم و حسینی (۱۳۹۰)؛ فیضی (۱۳۸۹)؛ ایزری، اعتمادیان و خانی (۱۳۸۹)؛ سری رملو، چین وی و چروز (۲۰۱۱)؛ تسای و لاورنس (۲۰۱۱)؛ و دادی، خیری و عباس زاده (۲۰۱۰) همخوانی دارد.

در تبیین یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه حاضر، هوش فرهنگی در واقع توانایی است که به فرد کمک می‌کند فهم بین فرهنگی اش را افزایش دهد و این مفهوم بدان معنا نیست که تفاوت‌های فرهنگی نادیده انگاشته شود بلکه به این معناست که در موقعیت‌های بین فرهنگی چگونه می‌توان هوشمندانه رفتار کرد. این هوش یکی از مهمترین مشخصه‌های مشترک بین افرادی است که می‌توانند خود را با فرهنگهای متفاوت سازگار کنند. افرادی همچون دانشجویان یا کارکنان سازمانهایی که در کشورها یا شهرهای بیگانه به تحصیل یا کار می‌پردازند. همان گونه که فرد هنگام رویارویی با فرهنگی متفاوت از فرهنگ خود، هوشمندانه در صدد است که عناصر آن فرهنگ را همانطور که در آن تعریف و تبیین شده دریابد، می‌تواند رفتار خود را نیز در خلال تجربه بین فرهنگی اش سازگار نماید (ادیب راد، ۱۳۸۹). این هوش ابزاری است که برای مواجهه مناسب با موقعیت‌های چند فرهنگی به کار گرفته می‌شود و کمک می‌کند با درک صحیح و سریع مؤلفه‌های فرهنگی مختلف، رفتاری متناسب با هر یک از آنها بروز داده شود (عباسعلی زاده و نایجی، ۱۳۸۶). هوش فرهنگی نوعی یادگیری تجربی است که به زمان زیادی نیاز دارد. ارتقای این هوش از تعاملات اجتماعی ناشی می‌گردد (توماس و اینکسن، ۲۰۰۴)؛ ترجمه میرسپاسی، و دادی و دشتی، ۱۳۸۷) و تعاملات اجتماعی که هسته اصلی هر جامعه محسوب می‌شود، موجب می‌گردد که کنشگران با گسترش پیوندهای خود، کنش‌های خود را در ساختار جامعه تسهیل نموده و از این طریق به اهداف خود برسند (باستانی و هیکویی، ۱۳۸۹). گسترش تعاملات اجتماعی همچنین ارتباط فرد را با افراد سایر فرهنگها میسر می‌سازد و با توجه به اینکه مردم کشور ما را اقوام و ملیت‌های گوناگونی تشکیل

می‌دهند لذا تنوع زبان، سبک زندگی، شیوه معیشت و، آداب و رسوم و سنتها به سادگی قابل مشاهده است.

فرضیه دوم: بین خود اثربخشی با هوش معنوی در دانشجویان رابطه وجود دارد. با توجه به جدول ۳ بین خود اثربخشی با هوش معنوی رابطه معنی دار وجود دارد ( $p < 0/0001$ ) و ( $R = 0/53$ ). بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌گردد. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های تحقیقات قبلی؛ خدایای فرد، رحیمی نژاد و یاسمین (۱۳۸۵)، تمدنی (۱۳۸۴)، رستمی (۱۳۸۴) همخوانی دارد.

در تبیین یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه حاضر، در نظر گرفتن معنویت به عنوان یک هوش ادراک ما را از معنویت و هوش گسترش می‌دهد و باعث می‌شود بتوان معنویت را در ارتباط با فرایندهای شناختی عقلایی مثل حل مسأله و کسب هدف بررسی نمود. مفهوم هوش معنوی همچنین توجه به را ویژگی‌های کارکردی، مثبت و تطبیقی معنویت جلب می‌کند و تعریف معنویت را به صورت امری غیرعقلایی، بیش از حد عاطفی، و از نظر علمی بی‌ارزش به چالش می‌کشد. تأثیر فوق‌العاده هوش معنوی بر متغیرهای مهم مدیریت همچون رهبری، انگیزش، خودکنترلی، قابلیت تغییر، ارتباطات، عملکرد و غیره و نیز ارتباطش با دیگر انواع هوش سبب می‌شود که شادکامی، معنویت و هوش معنوی به یک موضوع مهم و بحث برانگیز در حوزه محافل علمی تبدیل شود.

فرضیه سوم: بین جهت‌گیری مذهبی با هوش فرهنگی در دانشجویان رابطه وجود دارد. با توجه به جدول ۴ بین جهت‌گیری مذهبی با هوش فرهنگی رابطه وجود دارد ( $p < 0/0001$ ) و ( $R = 0/42$ ). بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌گردد. نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های تحقیقات قبلی؛ گرگری و فرید (۱۳۹۱)؛ رحمانی و تهرانی پور (۱۳۸۸)؛ عسگری و روشنی (۱۳۹۱)؛ مداحی (۱۳۹۰)؛ جعفری (۱۳۸۸) همخوانی دارد.

در تبیین یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه حاضر، از یک فروم در مورد دین بیان می‌دارد که: هیچ فرهنگی در گذشته یافت نمی‌شود که دین به معنای وسیع در آن جایی نداشته باشد و به نظر هم نمی‌رسد که در آینده فرهنگی غیر از این بتواند بوجود آید. دین عامل اصلی در زندگی بسیاری از انسانها بوده است و علت آن نیز ناشی از اثرات ایمان و باورهای دینی است (وونت، ۱۹۷۵، نقل از شریفی، ۱۳۸۱). اعتقادات مذهبی در پیشگیری اختلالات روحی و روانی نقش بسیار مهمی دارد. بنیامین راش، روان‌شناس مشهور می‌نویسد: مذهب آن قدر برای پرورش سلامت روح اهمیت دارد که هوا برای تنفس، مذهب به انسان کمک می‌کند تا معنای حوادث زندگی، باورهای منطقی و غیرمنطقی و طریقه تفکیک آنها را در زندگی و استفاده به جا و به موقع از باورهای منطقی را یاد بگیرد و در زندگی به کار بندد.

فرضیه چهارم: بین جهت‌گیری مذهبی با هوش معنوی در دانشجویان رابطه وجود دارد. با توجه به جدول ۵ بین جهت‌گیری مذهبی با هوش معنوی در دانشجویان رابطه وجود دارد

( $p < 0/0001$  و  $R=0/40$ ). بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌گردد.

نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های تحقیقات قبلی؛ دسر و سیرس و میلر (۲۰۰۷)؛ خدایاری فرد (۱۳۸۳) همخوانی دارد.

در تبیین یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه حاضر، اریک فروم در نظریه خود دین را نیاز به پرستش و خدا را جلوه‌ای از نیاز انسان به کمال و گریز از دوگانگی و رسیدن به وحدت و تعادل می‌داند. فروم معتقد است با ایمان زیستن به معنی ثمر بخش زندگی کردن است. انسان هرگز از دوگانگی هستی خود گریز نداشته و قادر به رهایی از فکر خود نمی‌باشد. خود، این نعمت انسانی نیز مصیبت او شده است. زیرا او را وادار ساخته که دائماً با مسائل حل یک دگرگونی لاینحل مقابله نماید. حیات انسان از این نظر با دیگر موجودات متفاوت است، زیرا در یک حالت عدم تعادل دائمی و اجتناب ناپذیر قرار دارد. زندگی انسان نمی‌تواند با تکرار نحوه‌ی زندگی هموعانش بگذرد. او باید زندگی کند. او تنها حیوانی است که وجود هستی برایش مسئله‌ای شده است که خود باید آنرا حل کند، زیرا از آن گریزی نیست. او باید درباره نفس خود و درباره‌ی مفهوم هستی خویش به خود حساب پس بدهد. انگیزه او برای غلبه بر این جدایی درونی یک اشتیاق عذاب‌دهنده برای «مطلقیت» یعنی نوع دیگری از وحدت و هماهنگی است که بتواند به فاجعه جدایی او از طبیعت و از هموعانش پایان دهد. ناهماهنگی هستی انسان موجب نیازهایی است که مراتب بالاتر و عالی‌تر از نیازهای حیوانی اوست. این نیازها منجر به یک انگیزه قهری جهت اعاده وحدت و تعادل بین انسان و طبیعت می‌شود. او می‌کوشد این وحدت و تعادل را از ابتدا در فکر خودش، از طریق ساختن یک تصویر ذهنی کامل از جهان اعاده نماید. این تصویر، معیار داوری او می‌شود و وی می‌تواند پاسخ این سوال‌ها را که در کجا قرار دارد و چه باید بکند از آن استخراج کند. اما اینگونه سیستمهای فکری کافی و وافی مقصود نمی‌باشد. اگر انسان شعوری غیر متجسم بود، مقصود و هدف او با یک نظام فکری جامع تحقق پیدا می‌کرد. اما از آنجا که کلیتی است دارای جسم و فکر، مجبور است نه تنها در بخش فکری، بلکه در فراخود زندگی و در قسمت احساسات و اعمالش نیز در برابر این دوگانگی هستی واکنش نشان دهد و برای رسیدن به یک تعادل جدید باید وحدت و یگانگی با همه‌ی جنبه‌های هستی خویش را تجربه کند. از اینجاست بلکه حاوی عناصر عاطفی و احساسی نیز می‌باشد و این عناصر باید در کلیه زمینه‌های فعالیت آنان عملاً به منصف ظهور برسند. سرسپردگی به یک هدف یا فک رو نیرویی برتر از انسان، نظیر خداوند جلوه‌ای است از این نیاز انسان به کمال در فراگرد هستی و دور شدن از ابهامات و دوگانگی‌ها (فروم، ۱۹۸۹، نقل از باورصاد ۱۳۷۷)

فرضیه پنجم: بین خود اثربخشی و جهت‌گیری مذهبی با هوش فرهنگی و هوش معنوی در دانشجویان رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از این فرضیه با یافته‌های تحقیقات قبلی؛ هادیزاده مقدم و حسینی (۱۳۹۰)؛ فیضی (۱۳۸۹)؛ ابزری، اعتمادیان و خانی (۱۳۸۹)؛ سری رملو، چین وی و چروز (۲۰۱۱)؛

تسای و لاورنس (۲۰۱۱)؛ ودادی، خیری و عباس زاده (۲۰۱۰)، رستمی (۱۳۸۴) گرگری و فرید (۱۳۹۱)؛ رحمانی و تهرانی پور (۱۳۸۸)؛ عسگری و روشنی (۱۳۹۱)؛ مداحی (۱۳۹۰)؛ جعفری (۱۳۸۸)؛ دسر و سیرس و میلر (۲۰۰۷)؛ خدایاری فرد (۱۳۸۳) همخوانی دارد.

در تبیین یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه حاضر، هوش فرهنگی حوزه مدرنی است، از هوشمندی که امکان میانجی‌گری در فضاهای کاری متنوع متغیری را مطرح می‌کند. بعضی از جنبه‌های فرهنگی مساله کاملاً قابل دیدن است و آشکارا می‌توان این هوشمندی را در نحوه برخورد برخی افراد و در رفتارهایی که انجام می‌دهند مشاهده کرد. در هر حال فهم بیشتر موقعیت‌ها و بخش‌های چالش برانگیز فرهنگ‌ها مرتبط اند با عقاید، ارزش‌ها، انتظارات، نگرش‌ها و مفروضه‌هایی که به طور آشکار یا نهان قابل مشاهده و ارزیابی اند. فرهنگ‌ها برنامه‌هایی هستند که ما را هدایت می‌کنند تا به نحو خاصی عمل نماییم و مهم‌ترین مفهومی که در اینگونه رفتارها قابل مشاهده است و توجیه‌گر رفتار کسانی است که در یک فرهنگ مطابق با هنجارهای آن عمل می‌کنند. مفهوم به هنجار بودن یا نرمال بودن است، قاعدتاً نرمال بودن برای فرهنگی متفاوت از فرهنگ دیگر است اما هر فرهنگی برای خود مفاهیمی از چگونه زیستن را مطرح می‌سازد. بنابراین هوش فرهنگی به افراد کمک می‌نماید که به نحو موثری تفاوت‌های بین فرهنگی را کنترل و مدیریت نمایند. کسی که دارای هوش فرهنگی بالایی است حصارهای فرهنگی را درک نموده و می‌داند همین حصارها است که می‌تواند رفتار ما و دیگران را چارچوب بندی نماید و همان است که می‌تواند نحوه فکر کردن و واکنش نشان دادن را در موقعیت‌های مختلف توجیه نماید اما همین فرد قادر است که این بندها و حصارها را کاهش دهد.

در عین حال کسی که دارای هوش فرهنگی بالایی است این آمادگی را دارد که اختلاف فرهنگی را درک نموده و با قدرت در این عرصه فعالیت نماید، عرصه‌ای که پر است از تفاوت و اختلاف. در واقع هوش فرهنگی به عنوان یک مفهوم در دنیای معاصر امروز عبارت است از یک توانایی شناختی. (وندن ۲۰۰۵). از دید وندن هوش فرهنگی عبارت است از تشخیص اهمیت مسائل مهم در عرصه روابط بین فردی و به اندازه هوش هیجانی و هوش اجتماعی حائز اهمیت می‌باشد و آن را می‌توان کامل کننده IQ یا هوش شناختی تصور کرد. همچنین هوش معنوی را می‌توان همان توانایی دانست که به ما قدرتی می‌دهد و رویاها و تلاش و کوشش برای به دست آوردن آن رویاها را می‌دهد. این هوش زمینه تمام آن چیزهایی است که ما به آنها معتقدیم و نقش باورها، هنجارها، عقاید و ارزش‌ها را در فعالیت‌هایی را که بر عهده می‌گیریم در بر می‌گیرد. هوشی که به واسطه آن سوال‌سازی در ارتباط با مسائل اساسی و مهم در زندگی مان می‌پردازیم و به وسیله آن در زندگی خود تغییراتی را ایجاد می‌کنیم. با استفاده از هوش معنوی به حل مشکلات با توجه به جایگاه، معنا و ارزش آن مشکلات می‌پردازیم.



## منابع

- ابزری، مهدی، اعتباریان، اکبر، خانی، اعظم (۱۳۸۹). تأثیر هوش فرهنگی، بر اثربخشی گروهی، پژوهش نامه مدیریت تحول، سال دوم، شماره چهارم، صص ۴۱-۲۵.
- تمدنی، مجتبی (۱۳۸۴). رابطه بین نگرش مذهبی و سازگاری اجتماعی در دانشجویان دانشگاه آزاد تهران جنوبی. مجله بهداشت جهان، شماره، دوره ۱۲، ستوده، هدایت الله. (۱۳۸۲). آسیب شناسی روانی، چاپ پنجم، ویرایش دوم، انتشارات آوای نو.
- شریفی، طیبه. (۱۳۸۱). بررسی رابطه نگرش دینی با سلامت عمومی، افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و شکیبایی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد، روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- شمیسی، سکینه (۱۳۹۱). رابطه ی بین خود اثربخشی، شادکامی، هوش معنوی و سلامت روان دانشجویان دانشگاه پیام نور سوسنگرد، دانشگاه آزاد اسلامی شهر اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد، روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- رحمانی، زین العابدین، تهرانی پور، رضا. (۱۳۸۸). هوش فرهنگی؛ نیاز مدیران امروزی، نشریه صنعت خودرو، سال دوازدهم، شماره ۱۲۷.
- رستمی، نادیا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه وضعیت مذهبی با هوش هیجانی در دانش آموزان مقطع پیش دانشگاهی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴. فصلنامه نوآوری های آموزشی، شماره دهم، سال سوم.
- جعفری، ابازر، (۱۳۸۰). مفهوم عقل در کتاب العقل و الجهل اصول کافی با تاکید بر شرح ملاصدرا، پایان نامه کارشناسی ارشد، الهیات و معارف، موسسه امام خمینی (ره).
- خدایای فرد، محمد، رحیمی نژاد، عباس؛ یاسمین (۱۳۸۵) بررسی مقایسه دین داری، نگرش سیاسی - اجتماعی، پیشرفت تحصیلی با سازگاری اجتماعی دانشجویان شاهد و غیر شاهد دانشگاههای شهر تهران.
- خدایاری فرد، محمد (۱۳۷۳) تهیه مقیاس اندازه گیری اعتقادات و نگرش های مذهبی دانشجویان. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران.
- فیضی، سمیرا (۱۳۸۹). مقایسه هوش فرهنگی داوطلبان ورزشی دختر و پسر دهمین المپیااد فرهنگی - ورزشی دانشجویان کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۶۱). بیست گفتار، تهران، انتشارات قوس.
- مداحی، فریناز (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی عقل و هوش در قلمرو روان شناسی و تعلیم و تربیت، پایان نامه کارشناسی ارشد، روان شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- هادیزاده مقدم، اکرم، حسینی، ابوالحسن (۱۳۹۰). رابطه بین هوش فرهنگی و اثربخشی گروهی، پژوهش نامه مدیریت تحول، سال چهارم، شماره دوم.

ناصری، اسماعیل. (۱۳۸۷). بررسی مفهوم و مولفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزار برای سنجش آن در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی در سال ۱۳۸۶-۸۷. پایان‌نامه دکتری، روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.

- Desrosiers, A., & Miller, L. (2007). Relational spirituality and depression in adolescent girl. *Clin psychol*, 63(10), 1021-1037.
- Mrus, J.M., Yi, M. S, Wade, T. J, M. L., Hornung, R.W; Cotton, s; Peterman, A.H; Puchalski, C.M; & Testate, J. (2006). Religion, spirituality, and depressive symptoms in patients with HIV / AIDS. *Journal of Psychology and Theology*, 5, 21-24.
- Peterson, B. (2004). *Cultural intelligence: A guide to working with people from other cultures*. Yarmouth, ME: Intercultural Press. New York: Cambridge University press.
- Sri Ramalu, S.A.L., Chin Wei, C., & Che Rose, R. (2011). The Effects of Cultural Intelligence on Cross-Cultural Adjustment and Job Performance amongst Expatriates in Malaysia. *International Journal of Business and Social Science*, 2(9), 59-71.
- Tsai, T. & Lawrence, N. (2011). The relationship between cultural intelligence and cross-cultural adaptation of international students in Taiwan. *International conference on management (ICM) Proceeding*. available on: [http://www.internationalconference.com.my/proceeding/icm2011\\_proceeding/044\\_373\\_ICM2011\\_PG0569\\_0583\\_CULTURAL\\_INTELLIGENCE.pdf](http://www.internationalconference.com.my/proceeding/icm2011_proceeding/044_373_ICM2011_PG0569_0583_CULTURAL_INTELLIGENCE.pdf).
- Zemore, S. E. Kaskutas, L. A., Ammonal. In 12- Step group help the helper. Doi = 10.1111/j.1360-0443.2004.00782.X [pub med]. Norway. Addiction unit, Or Landet hospital. *Omega journal of Death and Dying*, 11, 317 - 327.
- Vedadi, A., Kheiri, B., & Abbasalizadeh, M. (2010). The relationship between cultural intelligence and achievement: a case study in an Iranian company. *Iranian Journal of Management Studies (IJMS)*, 3(3), 25 - 40.